

توزیع شیر در مدرسه به مراسم تبدیل شود

اسماعیل آذری نژاد روحانی قصه گوی کهگیلویه و بویراحمد ابزارهایش برای توسعه آگاهی و قصه خوانی در روستاهای این استان این سه معرفی می کند: قصه، رنگ و توپ. فعالیت های او برای دانش آموزان اما محدود به استفاده از همین ابزارها نماند. مشکلات دانش آموزان روستاها متعقدند و او هم به تبع راه های متفاوت تری راه برای رفع این مشکلات امتحان کرده است. صبحانه دادن به دانش آموزان هم یکی از همین راه ها است. ابتدا به این دلیل که به گفته خودش بچه ها دسترسی به غذای خوب ندارند اما بعدتر همین مراسم صبحانه خوردن در مدرسه ها به شیوه ای تربیتی تبدیل شده است. شیوه ای که تاثیر آن در شوق دانش آموزان، در رفتار و مشارکت جوییشان را دیده است. گفته های او به عنوان کسی که ارتباط مستقیم با دانش آموزان روستاها دارد و تاثیر مراسم صبحانه را بر آنها دیده است می تواند برای شروع دوباره توزیع شیر در مدارس مفید باشد.

گوسفند هم در همه سال شیر ندارند که دامداران همیشه شیر داشته باشند و فقط در یک یا دو ماه شیر دارند. بنابراین این تصور که روستاییان به شیر کاملاً غلط اس. بچه هایی که در شهر هستند به شیر بیشتر دسترسی دارند. این بچه ها به غذای خوب دسترسی ندارند. این یک نکته است. نکته دوم این است که بچه ها اول صبح بیدار می شوند. معمولاً خواب آلود هستند و بی حوصله می شوند و اشتها و میل به صبحانه خوردن ندارند. بچه ها به مدرسه می آیند، در مدرسه قدم می زنند، هوایی به سرشان می خورد، فعالیت می کنند و آن وقت نیاز است که غذا بخورند. از طرف دیگر وقتی بچه ها با هم هستند اشتهاهای بیشتری برای غذا خوردن دارند.

کاری که ما کردیم این است که با چند آش فروشی در شهر قرارداد بستیم و با معلم ها صحبت کردیم که وقتی از شهر به سمت روستاها می روند از آش فروشی ها آش می گیرند و برای بچه های مدرسه ها می برند. آش هم غذای کاملی است. می دانید که حبوبات در آن هست، سبزی در آن وجود دارد و ... که آن را به غذای کاملی تبدیل می کند.

بچه ها اینطور کنار هم غذا می خورند و جدا از این صبحانه خوردن که به تغذیه بچه ها کمک می کند چند حسن دیگر هم دارد. کنار هم غذا خوردن باعث می شود که حس مشارکت و هم دلی در بچه ها تقویت می شود. از طرف دیگر تغذیه روی تحصیل بچه ها و حتی رفتار بچه ها هم تاثیر مثبت می گذارد.

ذهن بچه ای که گرسنه است خوب کار نمی کند، رفتارش خشن می شود. بچه ای که سوء تغذیه دارد یا کم خون است یا مشکلاتی شبیه به این دارد رفتار و تحصیل عادی هم ندارد و این مشکلات بر رفتار و تحصیل اش هم اثر می گذارد. به نظرم آموزش و پرورش باید غذاهای مفید که یکی از آنها شیر است را در اختیار این کودکان بگذارد. ما وقتی که امکان آش دادن به بچه ها را نداشتیم به بعضی مدارس میوه می دادیم. میوه هایی مثل موز یا سیب. سیب هم میوه ای بسیار

من در توئیت های تان زیاد دیده ام که به بچه های مدرسه ها صبحانه می دهید. چه نیازی در این روستاها می بینید که این کار را انجام می دهید؟ چه ضرورتی وجود دارد؟

در بسیاری از مدارس روستاها بچه های مدرسه دچار سوء تغذیه اند. من شنیده ام در یکی از

مناطق استان کهگیلویه و

بویراحمد، البته من نخوانده ام

و به طور شفاهی شنیده ام

و نمی خواهم رقم دقیق

را ذکر کنم، رقم

بالایی از بچه ها دچار

سوء تغذیه هستند.

این ارقام که ذکر

می شود نشان

می دهند که

بچه ها به دلایل

مختلف تغذیه خوبی

ندارند. گاهی این

مساله به این دلیل

است که در واقع به

تغذیه خوب دسترسی

ندارند. برخلاف تصور این طور

نیست که برای مثال

مردم همه روستاها

به شیر دسترسی

دارند. در همه

روستاها گاو

نگه داری

نمی شود

یا این

که همه

روستاییان

گاو یا دام

ندارند.



من گزارش معلم‌ها را که از مدارس می‌گرفتم می‌گفتند همین که یک سفره در مدرسه پهن می‌شود مشارکت و همدلی در آن‌ها بیشتر می‌شود. دانش‌آموزها دور هم می‌نشینند و کنار غذا خوردن با هم شوخی می‌کنند و حرف می‌زنند. گروهی نشست‌اند و این کار روی درس‌شان هم تاثیرگذار است



خالی می‌آورند و در بهترین حالت نان و پنیر می‌آورند. بیشتر هم همان نان خالی هم می‌آورند. این نشان می‌دهد که بچه‌ها دسترسی به غذای خوب، به شیر ندارند. هم گران است و هم وجود ندارد.

بنا بر حرف‌هایی که زدید در نهایت توصیه شما برای توزیع شیر هم این است که آن را به صورت دسته‌جمعی استفاده کنند که شبیه به صبحانه‌های شما باعث بیشتر شدن مشارکت شود.

می‌شود توزیع شیر را هم تبدیل به مراسم کرد. این بستگی به سلیقه معلم دارد. البته هر کاری که کنیم شبیه به صبحانه نمی‌شود چون شیر میان‌وعده محسوب می‌شود. مثلا معلم می‌تواند بگوید بیایید همه با هم شیر بخوریم. البته که این‌ها از ارزش این کار کم نمی‌کند و حتی توزیع شیر لازم و ضروری هم هست. البته یک نکته دیگر هم وجود دارد که نکند خدای نکرده چون این شیر برای مدرسه یا مناطق محروم است آب تویش بکنند یا درصد چربی‌اش را کم کنند یا شیر کم کیفیت بدهند یا مزه‌اش بد باشد.

مقوی است مخصوصا برای بچه‌هایی که کار فیزیکی هم می‌کنند میوه خوبی است. توصیه من این است که آموزش و پرورش تنها به شیر اکتفا نکند. می‌تواند این کار را بومی‌سازی کنند و به مدارس بسپارند. می‌توانند میوه و خشکبار هم بدهند. از نظر علمی ثابت شده است که تغذیه مناسب در یادگیری و رفتار بچه‌ها تاثیرگذار است.

شما تاثیر این صبحانه دادن را در بین دانش‌آموزان دیده‌اید؟ چیزی بوده که در بین دانش‌آموزان تغییر کند؟

من گزارش معلم‌ها را که از مدارس می‌گرفتم می‌گفتند همین که یک سفره در مدرسه پهن می‌شود مشارکت و همدلی در آن‌ها بیشتر می‌شود. دانش‌آموزها دور هم می‌نشینند و کنار غذا خوردن با هم شوخی می‌کنند و حرف می‌زنند. گروهی نشست‌اند و این کار روی درس‌شان هم تاثیرگذار است. وقتی معلم کنار دانش‌آموز می‌نشیند و غذا می‌خورد حس همدلی به وجود می‌آید و این کار تاثیرگذار است. این کار حتی روی پیشرفت تحصیلی بچه‌ها هم تاثیر گذاشت. در بعضی از روستاها بچه‌ها انگیزه تحصیل کردن ندارند و شرایط همه جا اینطور نیست که بچه‌ها باید درس بخوانند. معلم‌ها می‌گفتند این صبحانه دادن، همین که معلم‌ها از شهر آس می‌برند و به دانش‌آموزان می‌دهند در بچه‌ها ذوق ایجاد کرده است که به مدرسه بروند. در بعضی جاها مدارس دور از روستا بودند یا در بعضی جاها بچه‌ها از روستای دیگری می‌آیند و این کار را برای شان سخت می‌کند. اما همین صبحانه دادن باعث می‌شود که بچه‌ها زودتر بیایند. بنابراین تاثیر این کار همه‌جانبه است.

البته فکر نمی‌کنم شیر دادن دقیقا همان تاثیر صبحانه دادن را داشته باشد. بچه‌ها معمولا شیر را توی راه خانه یا بیرون مدرسه شیر را می‌خورند. ممکن است حتی معده بعضی بچه‌ها با شیر سازگاری نداشته باشد. اگرچه صبحانه دادن برای دولت سخت است و ممکن است آسیب‌هایی هم به وجود بیاید اما به یقین صبحانه دادن تاثیر بیشتری دارد. آن تاثیر صمیمیت، مشارکت و همدلی دارد. با همه این‌ها توزیع شیر هم خوب است. اگر صبحانه دادن مثلا نمره ۸۰ از ۱۰۰ بگیرد شیر نمره ۶۰ می‌گیرد. در عین حال شیر خوردن ضروری هم هست. در همه روستاها شیر نیست و از طرفی گران هم شده است.

این کمبود مواد مغذی در بین بچه‌ها صرفا به دلایل دسترسی نداشتن به غذای خوب است یا دلایل اقتصادی هم وجود دارد؟

دسترسی نداشتن به شیر دلایل اقتصادی هم مکن است داشته باشد. در خیلی از روستاها والدین نمی‌خواهند و نمی‌توانند برای بچه‌ها روزی ۲۰۰۰ تومان هزینه کنند و شیر بخرند. علت این که صبحانه دادن در بعضی روستاها شروع کردم این بود که یک بار که به مدرسه‌ای رفته بودم از مدیر مدرسه پرسیدم بچه‌هایی که از روستاهای دیگر به مدرسه می‌آیند چه چیزهایی با خودشان برای صبحانه به مدرسه می‌آورند. مدیر می‌گفت غالب آن‌ها نان و پیاز می‌آورند. بعضی نان و قند می‌آورند، بعضی نان